

Providing a Vulnerable Marriage Model Based on Exploring the Signs of Divorce in the Early Transitional Periods of Life (Dating, Engagement, and Marriage) in Non-consanguineous Marriages

Malekpoor Afshar E¹, *Askari M², Soltaninejad A³, Jokar S⁴

Author Address

1. PhD student in Counseling, Department of Psychology and Counseling, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran;

2. Hormozgan University of Medical Sciences, Bandar Abbas, Iran;

3. Visiting Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University Sardar Soleimani branch, Kerman, Iran;

4. Assistant Professor, Department of Mathematics, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

*Corresponding author Address: mahinask2005@yahoo.com

Received: 2022 August 13; Accepted: 2022 November 19

Abstract

Background & Objectives: Divorce is one of the worst events in people's lives that affects the mental health of couples. Couples' problems usually originate from the engagement period, where couples are unable to create solid foundations for their marriage, even though the roots of divorce lie in the years before marriage. Since pre-marriage relationships are considered the basis for the subsequent relationships of couples, it seems necessary to investigate the problems and conflicts created during this period. By identifying and eliminating the underlying factors of marital conflict, it is possible to help couples draw a more appropriate basis for their marital satisfaction and compatibility. Therefore, the current research was conducted to provide a vulnerable marriage model based on exploring the signs of divorce in the early transitional periods of life (dating, engagement, and marriage) in non-consanguineous marriages.

Methods: This research was qualitative research that used a contextual analysis. The current research population was all couples applying for divorce from non-consanguineous marriages with less than five years of marriage living in Kerman City, Iran. Subjects were selected by purposeful sampling method and semi-structured interviews. A total of 15 couples applying for divorce from non-consanguineous marriages with less than five years of marriage, who were introduced by the family court of Kerman were selected. The inclusion criteria were as follows: the couples should have applied for divorce and their marriage should be non-consanguineous marriages. The exclusion criterion included unwillingness to continue cooperation in the research. In this research, several steps were followed: literature review, interviews with 15 couples applying for divorce with a history of fewer than 5 years of marriage and non-consanguineous marriages, triangulation of information, and preparation of premarital counseling model. The method of data collection was based on semi-structured interviews and researcher-made tools. The interview guide was pre-tested using three mock interviews. Before the interview, the purpose of the study was explained and the people agreed to the interview. Data analysis was done based on the grounded theory of Strauss and Corbin (1998). In the open coding stage, codes, concepts, and categories were counted. based on which the conceptualization of data was formed.

Results: According to the findings of the research, 502 codes were found in the first-level coding and 157 codes were found in the second-level coding. These codes are finally merged into 27 concepts and 10 major categories: core categories, factors predisposing to divorce related to choice, factors predisposing to divorce related to the spouse, factors predisposing to divorce related to relationship context, factors accelerating divorce, contextual factors related to divorce, factors related to husband and wife's family, background factors, emotional factors, and thinking about divorce.

Conclusion: Based on the results of this research, the model of vulnerable marriage is formulated to reduce divorce in the early transitional periods of life (dating, engagement, marriage) in non-consanguineous marriages.

Keywords: Vulnerable marriage, Divorce, Transitional periods of life, Non-consanguineous marriages.

ارائه الگوی ازدواج آسیب‌پذیر براساس کاوش نشانه‌های طلاق در اولین دوره‌های انتقالی زندگی (آشنایی، نامزدی و عقد) در ازدواج‌های غیرفامیلی

عزت‌الله ملک‌پور افشار^۱، *مهین عسکری^۲، امیر سلطانی‌نژاد^۳، سهیلا جوکار^۴

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه روان‌شناسی و مشاوره، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران؛

۲. دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران؛

۳. استاد مدعو، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سردار سلیمانی، کرمان، ایران؛

۴. استادیار، گروه ریاضی، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

*وابانامه نویسنده مسئول: mahinask2005@phums.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۲ مرداد ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۲۸ آبان ۱۴۰۱

چکیده

زمینه و هدف: ازدواج پایدار و رضایت‌بخش به‌عنوان قرارداد و پیوندی اجتماعی، شرعی، قانونی و عاطفی پیامدهای مثبت بسیاری برای اعضای خانواده و جامعه فراهم می‌آورد. این پژوهش با هدف ارائه الگوی ازدواج آسیب‌پذیر براساس کاوش نشانه‌های طلاق در اولین دوره‌های انتقالی زندگی (آشنایی، نامزدی، عقد) در ازدواج‌های غیرفامیلی انجام گرفت.

روش‌بررسی: روش این پژوهش کیفی بود که از رویکرد زمینه‌ای استفاده شد. جامعه آماری پژوهش را تمامی زوجین متقاضی طلاق ازدواج غیرفامیلی با کمتر از پنج سال زندگی مشترک شهر کرمان تشکیل دادند. مشارکت‌کنندگان که از سوی دادگاه خانواده شهر کرمان معرفی شده بودند، با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. با پانزده نفر از زوجین متقاضی طلاق ازدواج غیرفامیلی با کمتر از پنج سال زندگی مشترک، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت. تحلیل داده‌ها براساس روش تحلیل اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) صورت پذیرفت. در مرحله کدگذاری باز، کدها و مفاهیم و مقوله‌ها، استخراج شد که برپایه آن مفهوم‌سازی داده‌ها شکل گرفت.

یافته‌ها: براساس یافته‌های پژوهش، در کدگذاری سطح اول ۵۰۲ کد و در کدگذاری سطح دوم ۱۵۷ کد یافت شد. این کدها درنهایت به ۲۷ مفهوم و ده مقوله عمده شامل مقوله‌های محوری، عوامل مستعدکننده طلاق مرتبط با انتخاب، عوامل مستعدکننده طلاق مرتبط با همسر، عوامل مستعدکننده طلاق مرتبط با بافت رابطه، عوامل تسریع‌کننده طلاق، عوامل بافتی مرتبط با طلاق، عوامل مرتبط با خانواده طرفین، عوامل زمینه‌ای، عوامل عاطفی و اندیشه‌پردازی درمورد طلاق کاهش پیدا کرد. **نتیجه‌گیری:** براساس نتایج این پژوهش، الگوی ازدواج آسیب‌پذیر برای کاهش طلاق در اولین دوره‌های انتقالی زندگی (آشنایی، نامزدی، عقد) در ازدواج‌های غیرفامیلی تدوین و ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: ازدواج آسیب‌پذیر، طلاق، دوره‌های انتقالی زندگی، ازدواج‌های غیرفامیلی.

ازدواج^۱ به عنوان قرارداد و پیوند اجتماعی مهم، مؤلفه‌ای بسیار کلیدی در ثبات بخشیدن و تسهیل حرکت به سمت بزرگسالی است (۱). افرادی که در روابط خود از همسرشان راضی هستند و از جانب او حمایت دریافت می‌کنند، از مزایایی مانند افزایش عزت نفس و بهزیستی عمومی برخوردار می‌شوند. به همین دلیل برخی از افراد برای اطمینان از دست یافتن به چنین مزایایی اقدام به ازدواج می‌کنند (۲).

ازدواج‌ها، همواره فرجام خوشایندی ندارند و گاهی اوقات ازدواج توسط برخی از عوامل بیرونی و درونی تهدید می‌شود و افراد به صورت اجتناب‌ناپذیری به سمت طلاق^۲ پیش می‌روند. طلاق، از رویدادهای بسیار بد زندگی افراد است که بر سلامت روان زوجین تأثیر می‌گذارد (۳). اگرچه روابط پیش از ازدواج، فرصت تجارب رشدی مانند مصاحبت، تعامل باز و حمایت را در اختیار می‌نهد، همواره این چنین نیست و تعاملات مثبت و منفی که افراد قبل از ازدواج دارند، طلاق آن‌ها را در پنج سال بعدی پیش‌بینی می‌کند (۴). مشکلات زوجین معمولاً از دوران نامزدی منشأ می‌گیرد؛ در جایی که زوجین قادر به ایجاد بنیان‌های استواری برای ازدواجشان نیستند. باوجود اینکه ریشه‌های طلاق در سال‌های قبل از ازدواج نهفته است، درباره دوره‌های آشنایی و نامزدی و عقد به عنوان اولین دوره‌های تحولی^۳ خانواده، چندان پژوهشی انجام نشده است (۵).

تجربیات بسیار عاشقانه و پر شور و بیان احساسات محبت‌آمیز دوران نامزدی با پیشرفت ازدواج رو به کاهش می‌نهد و متأسفانه این نتایج بعد از کنترل سن ازدواج، مدت نامزدی، عشق قبل از ازدواج و تعارض‌ها^۴ همچنان پایدار است. به همین دلیل ویژگی‌های دوران نامزدی، معمولاً موفقیت یا شکست ازدواج را پیش‌بینی می‌کند (۴). سال‌های اول ازدواج از مقاطع مهم چرخه زندگی خانوادگی است که بروز تعارضات بین فردی در این مرحله از چرخه زندگی به دلیل تغییر در الگوهای رفتاری، قواعد و انتظارات برگرفته از خانواده‌های اصلی چندان دور از ذهن نیست؛ اما بروز تعارض در این مرحله با مختل کردن تکالیف رشدی خاص، موجب بروز مشکل در خانواده می‌شود (۶). افرادی که برای سازگاری با نقش‌های زناشویی فرصتی کافی نداشته‌اند، ممکن است درباره ازدواج و تعهدات درازمدت عاطفی و اجتماعی آن، درک کاملی به دست نیاورده باشند؛ در نتیجه آمادگی لازم برای پیشگیری از مشکلات و حل آن‌ها را نداشته باشند (۷).

باوجود اهمیت دوره‌های تحولی پیش از ازدواج، برخی از افراد پیش از ازدواج، فرصت شناخت یکدیگر را ندارند و زمان آشنایی و نامزدی آن‌ها معمولاً کوتاه‌تر از آن است که زوجین شناخت درستی از یکدیگر به دست آورند؛ همچنین به دلیل شرایط خاص این دوران و محقق نشدن باورهای پیشین آن‌ها، ناتوانی در گفت‌وگو با یکدیگر، مشکلات مالی، تفاوت سلیقه‌ها، سن کم و ویژگی‌های شخصیتی، زوجین معمولاً در معرض تعارض قرار می‌گیرند (۸).

از آنجاکه روابط پیش از ازدواج مبنایی برای روابط بعدی زوجین

به شمار می‌رود، بررسی مشکلات و تعارضات ایجادشده در این دوران ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا با شناسایی و از بین بردن عوامل زمینه‌ساز تعارض زناشویی، به زوجین کمک می‌شود تا مبنای مناسب‌تری را برای رضایت و سازگاری زناشویی خود ترسیم کنند؛ همچنین می‌توان با آگاه‌ساختن از نقش این رویدادهای تعارض‌ساز در روابط بعدی زوجین، از تأثیر منفی روابط مذکور کاست؛ بنابراین، پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی ازدواج آسیب‌پذیر براساس کاوش نشانه‌های طلاق در اولین دوره‌های انتقالی زندگی (آشنایی، نامزدی، عقد) در ازدواج‌های غیرفامیلی انجام شد.

۲ روش بررسی

این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی بود که از رویکرد زمینه‌ای^۵ استفاده شد. جامعه آماری پژوهش را تمامی زوجین متقاضی طلاق ازدواج غیرفامیلی با کمتر از پنج سال زندگی مشترک شهر کرمان تشکیل دادند. انتخاب مشارکت‌کننده‌ها که از سوی دادگاه خانواده شهر کرمان معرفی شده بودند، به روش نمونه‌گیری هدفمند صورت گرفت. با پانزده نفر از زوجین متقاضی طلاق ازدواج غیرفامیلی با کمتر از پنج سال زندگی مشترک، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام پذیرفت. معیارهای ورود شرکت‌کنندگان به تحقیق این بود که افراد نمونه باید متقاضی طلاق باشد و ازدواج آن‌ها غیرفامیلی باشد. ملاک خروج شرکت‌کنندگان از مطالعه، تمایل نداشتن به ادامه همکاری در پژوهش در نظر گرفته شد. روش جمع‌آوری داده‌ها بر مبنای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و ابزار پژوهش محقق بود. بررسی و تحلیل داده‌ها براساس نظریه رویکرد زمینه‌ای انجام پذیرفت (۹). در مرحله کدگذاری باز اقدام به شمارش کدها و مفاهیم و مقوله‌ها شد که برپایه آن مفهوم‌سازی داده‌ها شکل گرفت. راهنمای مصاحبه با استفاده از سه مصاحبه‌ساختگی پیش‌آزمون شد. قبل از مصاحبه، ارائه توضیح درباره هدف از انجام مطالعه صورت گرفت و موافقت افراد با مصاحبه دریافت شد. در ابتدای مصاحبه در ارتباط با محرمانه بودن اطلاعات افراد اطلاع داده شد.

به موازات اجرای فرایند مصاحبه، یافته‌ها تحلیل شد و تعداد جلسات تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. در نهایت با پانزده زوج با ازدواج غیرفامیلی و متقاضی طلاق با کمتر از پنج سال ازدواج در شهر کرمان مصاحبه، انجام شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز و کشف مؤلفه‌ها و مفاهیم، از طریق کدگذاری نظری یا انتخابی، یکپارچه‌کردن و پالایش نظریه صورت گرفت و با استفاده از مدل پارادایمی، نظریه مبنایی پدیده، به وسیله زمینه‌ها و شرایط مداخله‌گر و شرایط علی، راهبردها و پیامدها به یکدیگر ارتباط داده شدند.

در این پژوهش ضمن اینکه مراجعان طلاق، ارجاعی از دادگاه خانواده بودند، ابتدا محرمانه بودن اطلاعات و منشور اخلاقی مشاور به آنان یادآوری شد و سپس اجازه آن‌ها برای ضبط اظهاراتشان دریافت شد. جمع‌آوری اطلاعات در مرحله مصاحبه با متقاضیان طلاق بدین ترتیب انجام گرفت که محورهای مصاحبه پژوهشگر با افراد دارای ملاک‌های

4. Conflicts

5. Contextual approach

1. Marriage

2. Divorce

3. Transformational periods

ورود به پژوهش، در زمینه تجربیات دوره‌های انتقالی (آشنایی، نامزدی، عقد)، ویژگی‌های خانوادگی، شرایط اقتصادی، اجتماعی، نگرش‌ها، دوستان، شرایط تسهیل‌کننده طلاق، تعارض‌های زناشویی و شیوه‌های حل تعارض بود.

تحلیل داده‌ها براساس روش تحلیل اشتراوس و کوربین (۱۰) و در مرحله مصاحبه با متقاضیان طلاق بدین شرح بود: مصاحبه‌های ضبط‌شده با جزئیات کامل توسط مصاحبه‌گر رونویسی شد و تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکرد زمینه‌ای به صورت کدگذاری‌های باز و محوری و گزینشی انجام گرفت. از طریق کدگذاری باز به فرایند شکستن، اوراق کردن، بررسی، مقایسه، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی اطلاعات پرداخته شد. برای یافتن کلمات و عبارات پیوسته تکراری، بررسی مصاحبه‌ها کلمه به کلمه صورت گرفت. بعد از اینکه پژوهشگر اقدام به کدگذاری باز دست‌نوشته‌ها کرد، واژه‌ها و عبارات شناسایی شد. پژوهشگر اقدام به مقوله‌بندی درون موضوعات و خرده موضوعات به صورت گزینشی کرد که استفاده از رویکرد زمینه‌ای مفاهیمی را که پژوهشگر از قبل در ذهن خود داشت، متوقف کرد. کدگذاری گزینشی با ایجاد هسته مرکزی و ارتباط آن با مقوله‌های دیگر انجام شد. سه سویه‌سازی داده‌ها یا به عبارتی مثلث‌سازی، بخشی از فرایند جمع‌آوری اطلاعات بود که در آن تلفیق دو یا چند روش یا منبع با هدف اعتباربخشی صورت گرفت.

همچنین در ارتباط با گام‌های رسیدن به تدوین الگو، گام اول مطالعه

ادبیات پژوهش بود. در گام دوم، با پانزده زوج متقاضی طلاق ازدواج غیرفامیلی، مصاحبه انجام گرفت که این زوج‌ها از سوی دادگاه خانواده برای مشاوره طلاق به مرکز مشاوره اعتماد ارجاع شدند. گام سوم ارائه الگوی ازدواج آسیب‌پذیر، با توجه به یافته‌های بخش کیفی (جداسازی اطلاعات کیفی) و دریافت تأیید اساتید رشته روان‌شناسی بود. در این گام متغیرهایی که باید در الگوی تدوین‌شده گنجانده شود، به ترتیب برحسب عللی با همگرایی بیشتر، مدنظر قرار گرفت. در پایان به منظور تعیین قابلیت اطمینان و کفایت داده‌ها از سه روش تلفیقی استفاده شد: ۱. کنترل و اعتباریابی توسط مصاحبه‌شونده‌ها که در این روش مصاحبه‌های ضبط و ثبت‌شده در جلسات بعدی با مصاحبه‌شونده‌ها مطرح شد تا مصاحبه‌گر از صحت اطلاعات ارائه‌شده مطلع شود؛ ۲. استفاده از نظارت دو نفر از همکاران متخصص در رشته تخصصی مشاوره خانواده با تجربه پژوهش‌های داده‌بنیاد به عنوان داور که در مراحل کدگذاری و استخراج گام به گام مقولات پارادایم بررسی و نظارت داشتند؛ ۳. مقایسه‌های تحلیلی و بازگشت‌های مکرر به داده‌های خام تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود.

۳ یافته‌ها

در این پژوهش، پانزده زوج غیرفامیلی شرکت کردند. میانگین سن مردها هنگام ازدواج ۲۴ سال و ۲ ماه و زن‌ها ۲۲ سال و ۲ ماه بود. در جدول ۱، اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها ارائه شده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها

ویژگی آزمودنی‌ها	مقدار
مدت زندگی مشترک قبل از اقدام به طلاق	۲/۲ سال
سابقه یک یا دو تجربه طلاق در خانواده مبدأ	مردان=هشت نفر (۸۰ درصد) زنان=دو نفر (۲۰ درصد)
مخالفت با ازدواج توسط والدین	مردان=دو خانواده (۲۵ درصد) زنان=شش خانواده (۷۵ درصد)
تفاوت سنی زوجین	دو نفر از زن‌ها معادل ۱۳ درصد با میانگین دو سال بزرگ‌تر بودند دو زوج هم‌سن بودند (۱۳ درصد) در یازده زوج معادل ۷۳ درصد با میانگین پنج سال و نه ماه مردها بزرگ‌تر بودند
تعداد فرزند در زمان اقدام به طلاق	بدون فرزند=یازده زوج (۷۳ درصد) یک فرزند=چهار زوج (۲۷ درصد)
میانگین مدت زمان تقریبی جدایی اخیر باهدف اقدام به طلاق	هفت ماه
مدت زمان دوره آشنایی باهدف ازدواج	نه زوج معادل ۶۰ درصد هیچ دوره و ایام آشنایی نداشتند. سه زوج از طریق دوستی بدون اطلاع خانواده با میانگین چهارده ماه باهم آشنا بودند. سه زوج دوره آشنایی با هماهنگی خانواده با میانگین سه‌وینیم ماه داشتند.
مدت زمان دوره نامزدی	سه زوج بدون گذراندن دوره نامزدی و دوازده زوج با میانگین هفت ماه دارای دوران نامزدی بودند.
مدت زمان عقد	دو نفر ایام عقدی نداشتند. سیزده نفر با میانگین چهارده ماه دوران عقد داشتند.
تصمیم به طلاق	هشت زوج معادل ۵۳ درصد زوجین از ادامه زندگی مشترک گریزان بودند. در پنج زوج معادل ۳۳ درصد مرد خواهان زندگی مشترک و زن گریزان بود. در دو زوج معادل ۱۳ درصد زن خواهان زندگی مشترک و مرد گریزان از این زندگی بود.
میزان تحصیلات	لیسانس و کمتر=هفت زوج بیشتر از لیسانس=هشت زوج
شغل	آزاد=هشت زوج دولتی=هفت زوج

در این پژوهش در کدگذاری سطح اول ۵۰۲ کد و در کدگذاری سطح دوم ۱۵۷ کد یافت شد که این کدها در نهایت به ۲۷ مفهوم و ده مقوله جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. جدول مقوله‌ها و زیرمقوله‌های زوجین متقاضی طلاق براساس طرح نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد

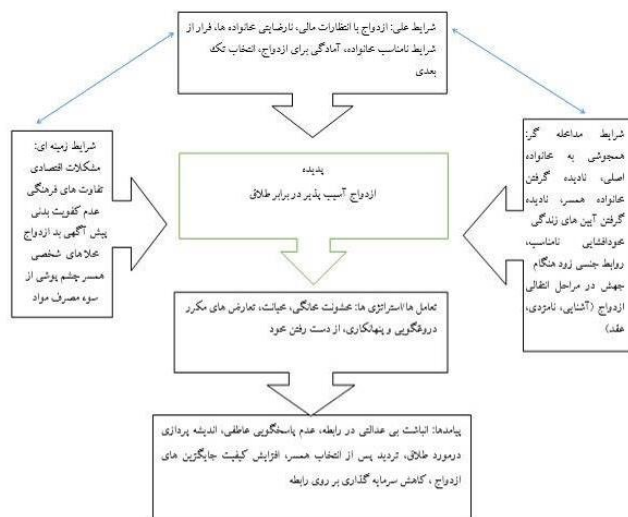
مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها
محوری	پدیده ازدواج آسیب‌پذیر در برابر طلاق
عوامل مستعدکننده طلاق مرتبط با انتخاب	ازدواج با انتظارات مالی
	نارضایتی خانواده‌ها
	فرار از شرایط نامناسب خانواده
	ازدواج با وجود آماده‌نبودن انتخاب تک‌بعدی
عوامل مستعدکننده طلاق مرتبط با همسر	خلأهای شخصی همسر
	سوء مصرف مواد از سوی همسر
عوامل مستعدکننده طلاق مرتبط با بافت رابطه	خودافشایی نامناسب
	روابط جنسی زودهنگام
	نداشتن فرصت شناخت
عوامل تسریع‌کننده طلاق	خشونت خانگی
	خیانت
	تعارض‌های مکرر
	دروغ‌گویی و پنهان‌کاری از دست‌رفتن خود
عوامل بافتی مرتبط با طلاق	مشکلات اقتصادی
	عدم درآمد
عوامل مرتبط با خانواده طرفین	همچوشی به خانواده اصلی
	نادیده گرفتن خانواده همسر
عوامل زمینه‌ای	تفاوت‌های فرهنگی
	عدم کفویت بدنی
	پیش‌آگهی بد ازدواج
عوامل عاطفی	انباشت بی‌عدالتی در رابطه
	عدم پاسخ‌گویی عاطفی
اندیشه‌پردازی در مورد طلاق	تردید پس از انتخاب همسر
	افزایش کیفیت جایگزین‌های ازدواج
	کاهش سرمایه‌گذاری روی رابطه

انتظارات مالی و غیرمالی، نارضایتی خانواده‌ها، فرار از شرایط نامناسب خانواده، آمادگی نداشتن برای ازدواج و انتخاب تک‌بعدی بود. همچنین سؤال بعدی مطرح شده این بود که زوجین در مقابل مشکلات متأثر از شرایط علی و به پایان رساندن ادامه زندگی مشترک چه راهبردهایی را در پیش گرفته‌اند. به علاوه دسته‌ای دیگر از عوامل تحت عنوان شرایط مداخله‌گر و نیز شرایط زمینه‌ای تأثیرگذار بر ازدواج آسیب‌پذیر در برابر طلاق شناخته شد و در نهایت این مشکلات پیامدهایی را به دنبال داشت که مدیریت‌کننده زندگی آن‌ها در مسیر طلاق بود.

مرحله نهایی کدگذاری، کدگذاری گزینشی بود. در این مرحله پژوهشگر برای انجام برخی از اصطلاح‌های نظری با مقوله‌های اندکی سر و کار داشت. در این مرحله مقوله‌های عمده در قالب مدلی پارادایمی حول مقوله محوری با یکدیگر ارتباط داده شدند که در شکل ۱ ارائه شده است.

در جدول ۲، کدگذاری اولیه، کدگذاری ثانویه، مفاهیم تولیدشده بعد از ترکیب کدهای ثانویه به همراه مقولات عمده، همچنین کدهای ثانویه به همراه شماره مصاحبه و مقولات عمده حاصل شده از ترکیب این کدها، مشاهده می‌شود.

در مرحله کدگذاری محوری، مقوله‌ها از کدهای باز استخراج شدند و کدهای محوری را تشکیل دادند و مقوله‌ها به صورت یک شبکه باهم در ارتباط قرار گرفتند. استخراج مقوله‌های عمده صورت گرفت و حول مقوله‌ای محوری دسته‌بندی شدند. در پژوهش حاضر، مقوله محوری «پدیده ازدواج آسیب‌پذیر در برابر طلاق» بود که سایر مقولات بر آن تمرکز داشتند. مقوله‌های عمده استخراج شده در مرحله کدگذاری محوری باید بتوانند در قالب یک مدل نظری، منطقی و انتزاعی حول مقوله محوری یا هسته‌ای به هم مرتبط و ترسیم شوند. این مقولات در ابعاد شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای و پیامدها قرار گرفتند. پس از تعیین مقوله محوری، شرایط علی دسته‌بندی شده شامل ازدواج با



شکل ۱. مدل «پدیده ازدواج آسیب پذیر در برابر طلاق» زوجین متقاضی طلاق براساس نظریه داده بنیاد

خانواده، نارضایتی خانواده‌ها و ازدواج با انتظارات مالی و غیرمالی بود. در ارتباط با تک‌بُدی بودن ازدواج‌ها، اکتفا کردن به جذابیت ظاهری، یک مؤلفه علی مستعدکننده طلاق است.

در ارتباط با ازدواج با انتظارات مالی و غیرمالی، در عده‌ای مسائلی همچون تک‌فرزند بودن، مالکیت و تأمین مسکن، ایجاد اشتغال، پرداخت هزینه‌های آیین‌های زندگی و صرف‌نظر کردن از مراسم و آیین‌های زندگی و شرایط و معیشت خانواده همسر، باعث تقویت تصمیم به ازدواج می‌شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت، به نظر می‌رسد در خانم‌ها تکیه بر وضعیت مالی شوهر یا خانواده او برای آن‌ها امنیت ایجاد می‌کند. در آقایان نیز این تمایل وجود دارد، اما آن‌ها سعی می‌کنند این تمایل را به صراحت ابراز نکنند (۱۱). شرایط نامناسب خانواده از دیگر شرایط علی بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت، گاهی اوقات افراد به دلیل نیازهای ناخودآگاه برآورده نشده یا نقص‌های خود دست به انتخاب همسر می‌زنند؛ برای مثال فردی که در دوران کودکی محبت و عشق از والدین نگرفته است، تشنه عشق دیگران می‌شود. ازدواج دختران در سنین کمتر احتمالاً بیشتر در نتیجه ناخشنودی آنان از زندگی خانوادگی است تا علاقه به زندگی زناشویی (۱۲). ازدواج نه تنها تصمیمی خانوادگی بوده، بلکه تصمیمی فامیلی نیز است و رضایت خانواده و تأیید فامیل می‌تواند استمرار زندگی زوجین را تقویت کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که در ازدواج، ما تنها با همسر خود ازدواج نمی‌کنیم؛ بلکه به‌طور استعاری با خانواده او نیز ازدواج می‌کنیم. خانواده همسر می‌تواند نقش مثبت یا منفی در ازدواج ایفا کند (۱۳). از دیگر شرایط علی مستعدکننده طلاق، ازدواج با وجود آمادگی نداشتن بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت، جوانان در سنین بیشتر از ۲۳ برای دختران و بیشتر از ۲۶ برای پسران از لحاظ جسمانی و نیز از لحاظ فکری به رشد لازم دست یافته‌اند و قادر هستند با فکری روشن‌تر و منطقی‌تر مسائل و اهداف زندگی خود را تجزیه و تحلیل و بررسی کنند و در هر موضوع تصمیم بگیرند (۱۴).

مؤلفه‌های تقویت‌کننده مسیر طلاق با عنوان شرایط زمینه‌ای شامل مشکلات اقتصادی، تفاوت‌های فرهنگی، عدم کفویت بدنی،

همان‌گونه که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، پدیده مرکزی «پدیده ازدواج آسیب پذیر در برابر طلاق» است. شرایط علی شامل انتظارات مالی و غیرمالی، نارضایتی خانواده‌ها، فرار از شرایط نامناسب خانواده، آمادگی نداشتن برای ازدواج و انتخاب تک‌بُدی، افراد را به سوی ازدواج سوق داده است. بعد از متوجه شدن از اینکه ازدواجی بر مبنای ملاک‌های درست و زمان مناسب شکل نگرفته است، راهبردهای دوسویه‌ای در پیش گرفته می‌شود. این راهبردها از طرف مرد با هدف انصراف از ادامه زندگی از طریق خشونت‌های خانگی، خیانت، دروغ‌گویی و پنهان‌کاری و تعارض‌های مکرر در رفتار و از طرف زن، از دست رفتن خود برای حفظ زندگی است؛ البته برخی شرایط زمینه‌ای همچون مشکلات اقتصادی، تفاوت‌های فرهنگی، عدم کفویت بدنی، خلأهای شخصی همسر و چشم‌پوشی از سوء مصرف مواد این ازدواج را در مسیر طلاق تقویت می‌کند. شرایط مداخله‌ای همچون همجواری به خانواده اصلی، نادیده گرفتن خانواده همسر، نادیده گرفتن آیین‌های زندگی، خود افاشایی نامناسب، روابط جنسی زود هنگام و جهش در مراحل انتقالی ازدواج (آشنایی، نامزدی، عقد) در آسیب‌پذیری ازدواج در برابر طلاق تأثیر دارد و مشکلات ادامه زندگی مشترک را سخت‌تر می‌کند؛ از این رو شرایط علی و زمینه‌ای و مداخله‌گر تأثیرگذار بر منجر به طلاق شدن ازدواج، پیامدهایی همچون انباشت بی‌عدالتی در رابطه، عدم پاسخ‌گویی عاطفی، تردید پس از انتخاب همسر، افزایش کیفیت‌های جایگزین ازدواج و کاهش سرمایه‌گذاری بر روی رابطه را به دنبال داشته است.

۴ بحث

هدف این پژوهش ارائه الگوی ازدواج آسیب‌پذیر براساس کاوش نشانه‌های طلاق در اولین دوره‌های انتقالی زندگی (آشنایی، نامزدی، عقد) در ازدواج‌های غیرفامیلی بود. براساس نتایج، پس از تحلیل داده‌ها عبارت «ازدواج آسیب‌پذیر در برابر طلاق» هسته مرکزی نام گرفت؛ همچنین مؤلفه‌های شرایط علی مستعدکننده طلاق شامل انتخاب تک‌بُدی، آمادگی نداشتن برای ازدواج، فرار از شرایط نامناسب

پیش‌آگهی‌های بد ازدواج، رخداد‌های شخصی همسر و چشم‌پوشی از سوء‌مصرف مواد از سوی همسر بود و تعارض‌ها را آشکارتر کرد. در تبیین این یافته می‌توان گفت، مشکلات زندگی زناشویی با مسائل اقتصادی گره خورده است (۱۵). از دیگر شرایط زمینه‌ای تقویت‌کننده تعارض‌های منجر به تصمیم طلاق، تفاوت‌های فرهنگی زوجین بود. شناخت فرهنگ طرف مقابل و داشتن اهداف مشترک و نگرش‌های مذهبی مشابه باعث ازدواج و رضایتمندی زوجها در طول زمان می‌شود. بی‌توجهی‌های آغازین به ظاهر و نابرابری ظاهری تشدیدکننده تعارض است. یکی از عوامل افزایش تعارض زوجین، کوچک‌نمایی اهمیت ظاهر زن در زمان آشنایی است. افراد تصور می‌کنند که می‌توانند با ظاهر طرف مقابل کنار بیایند؛ اما مرور زمان نشان داده است که قادر به انجام این کار نیستند (۱۶). از دیگر شرایط زمینه‌ای، پیش‌آگهی‌های بد ازدواج بود. در ابتدای روزهای فرایند انتقالی ورود زود هنگام به رابطه‌ای احساسی، طبیعتاً قدرت بخشش افزایش می‌یابد و رفتارهایی نادیده گرفته می‌شود. گاه غلبهٔ امواج احساسات و هیجان دلباختگی، بستر آرامش، اندیشه و تعقل را در ارزیابی بایستهٔ معیارهای کفویت، متلاطم می‌سازد. برخی از مواقع، اصرار فوق‌العاده و گاهی تهدیدآمیز پسر یا دختر داوطلب ازدواج یا هر دو طرف، فرصت بررسی، تحقیق و ارزیابی و سنجش معیارهای تناسب و کفویت، همراهی و همسری را از خانواده‌های مربوط سلب می‌کند (۱۱). از دیگر عوامل زمینه‌ای خلأهای شخصی همسر بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت، گاهی افرادی که هدفی را در زندگی دنبال نمی‌کنند، نمی‌دانند از زندگی چه می‌خواهند، احساس ناکامی می‌کنند و از زندگی خود راضی نیستند. برای حل این مشکلات به ازدواج روی می‌آورند که به‌طور قطع، دلیل نادرستی برای ازدواج است. مشکلات ذکر شده باید از راه‌هایی غیر از ازدواج حل شود. ازدواج، رابطه‌ای درمانی نیست؛ بلکه رابطه‌ای صمیمانه است (۱۷). چشم‌پوشی از سوء‌مصرف مواد از سوی همسر، یکی دیگر از عوامل زمینه‌ای بود. در تعداد بی‌شماری از زوجها و همسران مشاهده می‌شود که در ابتدای زندگی اعتیاد را امری عادی دانسته‌اند یا فکر کرده‌اند که موضوع چندان مهمی نیست و نامزد آن‌ها پس از ازدواج مواد را ترک خواهد کرد و به این امید تن به ازدواج داده‌اند و بعد با زندگی بحران‌زده‌ای روبه‌رو شده‌اند؛ زندگی پرمالیتی که در آن بسیار آسیب دیده‌اند و راه‌های گریز از آن بسیار محدود بوده است (۱۸).

مقوله‌های تأثیرگذار بر مقولهٔ محوری به‌عنوان شرایط مداخله‌گر شامل همجوشی به خانواده‌های اصلی، نادیده‌گرفتن خانوادهٔ همسر، نادیده‌گرفتن آیین‌های زندگی، خودآشنایی نامناسب، روابط جنسی زود هنگام و جهش در مراحل انتقالی ازدواج (آشنایی، نامزدی، عقد) بود. در تأیید این یافته می‌توان بیان کرد، متأسفانه برخی به بلوغ و استقلال عاطفی نمی‌رسند و به اصطلاح بند ناف عاطفی‌شان را از والدین قطع نمی‌کنند (۱۳). دیگر شرایط مداخله‌گر که می‌تواند در ادامهٔ همجوشی به خانوادهٔ اصلی ایجاد شود، نادیده‌گرفتن خانوادهٔ همسر است. برقراری روابط پنهانی پیش از ازدواج ممکن است تا به آنجا پیش رود که بنوعی به هریک از طرفین آسیب برسد و آن‌ها را در مقابل عملی انجام‌شده قرار دهد. بهتر است دختران و پسرانی که تجربه و

شناخت کافی از جنس مخالف ندارند و نیز تسلط کافی بر اعمال و افعال خویش نیافته‌اند، از طریق مشورت‌کردن با والدین و احتمالاً در میان گذاشتن تمایل خود دربارهٔ فردی، از آنان راهنمایی بخواهند و از این راه احتمال آسیب‌دیدگی روانی و تربیتی خویش را کاهش دهند (۱۹). از دیگر شرایط مداخله‌گر، نادیده‌گرفتن آیین‌های زندگی بود. در فرایند ازدواج در فرهنگ ایرانی، جشن نامزدی، عقد، عروسی، جهیزیه‌دادن یا خیر، پرداخت هزینه‌های مراسم و روابط کامل جنسی و دریافت و پرداخت هدایا از آیین‌های مورد توجه است. به‌نظر می‌رسد آمار طلاق در ازدواج‌های بدون مراسم، بیشتر باشد؛ چراکه پیوند اجتماعی و عرفی همسران در این گونه ازدواج کمتر است (۲۰). در ارتباط با خودآشنایی به‌عنوان دیگر شرط مداخله‌گر، می‌توان گفت که از مسائل بسیار مهم در رابطه با انتخاب همسر و ازدواج، آگاهی از روابط قبلی افراد است. توصیه می‌شود افرادی که قصد ازدواج براساس عشق و محبت واقعی دارند، تمامی روابط جدی قبلی خود را از جمله نامزدی، در حد کلی بیان کنند (۱۵). دیگر شرایط مداخله‌گر، روابط جنسی زود هنگام بود. زندگی مشترک قبل از ازدواج میزان انحلال زناشویی را بعد از ازدواج افزایش می‌دهد و افرادی که قبل از ازدواج به‌صورت هم‌خانه زندگی می‌کنند، درمقایسه با افرادی که دارای چنین تجربه‌ای نیستند، بیشتر در معرض طلاق قرار دارند (۱۸). آخرین مؤلفهٔ شرایط مداخله‌گر، جهش در مراحل انتقالی ازدواج (آشنایی، نامزدی، عقد) بود. این جهش می‌تواند ناشی از فرهنگ خانواده‌ها یا ترسی باشد که خانواده‌ها از طی شدن این مراحل دارند. همچنین به‌دلیل آسیب‌پذیری که ممکن است با بازگشت از این مراحل حاصل شود، خانواده‌ها ترجیح می‌دهند مراحل انتقالی نادیده گرفته شود. نداشتن دورهٔ آشنایی یا آشنایی محدود، از عواملی بسیار مهمی است که در مهیا کردن زمینهٔ طلاق دخالت دارد (۱۵).

بعد از شکل‌گیری مثلث شرایط علی و زمینه‌ای و مداخله‌ای و اطمینان از اینکه ادامهٔ این ازدواج فرجام خوبی را رقم نمی‌زند و نمی‌توان اطمینان و اعتمادی به استحکام زندگی داشت، راهبردهای متناقضی به‌کار می‌رود تا زوجین به این باور برسند که این ازدواج باید منجر به علاقه شود. ازجملهٔ این راهبردها از زبان مصاحبه‌شوندگان خشونت‌های خانگی، خیانت، تعارض‌های مکرر، دروغ‌گویی، پنهان‌کاری و ازدست‌رفتن خود بود. به‌کارگیری خشونت‌های خانگی مواردی همچون ایجاد محدودیت‌های مالی، قهرهای طولانی‌مدت، ضرب و شتم، تهدید به اخراج از منزل، حبس‌های خانگی، برخوردهای خشن و خشونت‌های کلامی را نیز در بر گرفت.

۵ نتیجه‌گیری

براساس نتایج این پژوهش، الگوی ازدواج آسیب‌پذیر برای کاهش طلاق در اولین دوره‌های انتقالی زندگی (آشنایی، نامزدی، عقد) در ازدواج‌های غیرفامیلی تدوین و ارائه شده است.

۶ تشکر و قدردانی

از اساتید دانشگاه آزاد، پردیس بین‌الملل قشم و مدیر گروه که در تحقیق‌بخشیدن این مقاله یاری کردند و همچنین مصاحبه‌شوندگان که با اعتماد به پژوهشگر اطلاعات محرمانهٔ خود را در اختیار وی قرار دادند،

تشکر و قدردانی می‌شود.

رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

منابع مالی

این پژوهش، بدون حمایت مالی انجام شده است.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان اول و دوم نگارش و بازبینی مقاله را بر عهده داشتند.

نویسندگان سوم و چهارم در آنالیز و تفسیر داده‌ها و ارائه ایده پژوهشی

و طراحی مطالعه سهم بودند.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این پژوهش برگرفته از رساله نویسنده اول در رشته مشاوره در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌الملل کیش است. این مقاله در کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد کیش به شماره نامه ۱۲۸/۳۲۵۰۷ به تصویب رسید. قبل از مصاحبه با شرکت‌کنندگان، درباره هدف مطالعه توضیح داده شد و موافقت افراد با مصاحبه دریافت شد؛ همچنین در ابتدای مصاحبه در ارتباط با محرمانه بودن اطلاعات افراد اطلاع داده شد.

References

1. Doherty WJ, Kalantar SM, Tarsafi M. Divorce ambivalence and reasons for divorce in Iran. *Fam Proc.* 2021;60(1):159–68. <https://doi.org/10.1111/famp.12539>
2. Killawi A, Fathi E, Dadras I, Daneshpour M, Elmi A, Altalib H. Perceptions and experiences of marriage preparation among U.S. Muslims: multiple voices from the community. *J Marital Fam Ther.* 2018;44(1):90–106. <https://doi.org/10.1111/jmft.12233>
3. Schramm DG, Becher EH. Common practices for divorce education. *Family Relations.* 2020;69(3):543–58. <https://doi.org/10.1111/fare.12444>
4. Rijavec Klobučar N, Simonič B. Risk factors for divorce in Slovenia: a qualitative study of divorced persons' experience. *J Fam Stud.* 2018;24(3):291–306. <https://doi.org/10.1080/13229400.2016.1176592>
5. Rahmati A, Bahrami Nejad H. Signs of divorce before marriage: the role of premarital events in Iran. *J Divorce.* 2019;60(4):301–15. <https://doi.org/10.1080/10502556.2018.1528531>
6. Zhian F, Navabinejad S, Azimi Garoosi S. Sexual satisfaction and marital adjustment among consanguineous and nonconsanguineous teaching couples. *Quarterly Journal of Family and Research.* 2015;12(2):27–40. [Persian] <http://qjfr.ir/article-1-52-en.html>
7. Altgelt EE, Meltzer AL. Associations between premarital factors and first-married, heterosexual newlywed couples' frequency of sex and sexual satisfaction trajectories. *J Sex Res.* 2021;58(2):146–59. <https://doi.org/10.1080/00224499.2019.1695722>
8. Brisini KStC, Solomon DH. Relational turbulence in college dating relationships: measurement, construct validity, and comparison to marriage. *Commun Q.* 2019;67(4):424–43. <https://doi.org/10.1080/01463373.2019.1605398>
9. Esmaeili M, Salsali M, Cheraghi MA. Quality in grounded theory studies. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences.* 2013;2(3):287–96. [Persian] https://jqr1.kmu.ac.ir/article_90759.html
10. Strauss A, Corbin J. Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory. Second Edition. Thousand Oaks, CA: Sage; 1998.
11. Derakhsh A, Aslani Kh, Koraei A. Formulation of successful marriage model: a qualitative study. *Women's Studies.* 2019;10(27):73–97. [Persian] https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_4030.html?lang=en
12. Yousefi N, Bagheryan M. The investigation of the criteria of spouse selecting and marital burnout as forwarded variants in couples applicant for divorce and couples desirous of continuing the marital status. *Family Counseling and Psychotherapy.* 2012;1(3):284–301. [Persian] https://fcp.uok.ac.ir/article_9459.html?lang=en
13. Buunk AP. All in the family: attitudes towards cousin marriages among young Dutch people from various ethnic groups. *Evolution, Mind and Behaviour.* 2017;15(1):1–15. <https://doi.org/10.1556/2050.2017.0001>
14. Dell'Isola R, Durtschi J, Topham G, Gimarc C. A new approach to marriage preparation: the attachment-differentiation premarital model. *Journal of Couple & Relationship Therapy.* 2021;20(2):149–73. <https://doi.org/10.1080/15332691.2020.1829522>
15. Afshari Kashanian O, Zahrakar K, Mohsen Zadeh F, Tajik Esmaili AA. Detection of Predisposing factors in women marital infidelity. *Journal of Counseling Research.* 2019;18(71):121–54. [Persian] <http://dx.doi.org/10.29252/jcr.18.71.121>
16. Islam M, Ababneh F, Khan M. Consanguineous marriage in Jordan: an update. *J Biosoc Sci.* 2018;50(4):573–8. <https://doi.org/10.1017/S0021932017000372>
17. Rosenfeld MJ, Roesler K. Premarital cohabitation and marital dissolution: a reply to manning, smock, and Kuperberg. *J Marriage Fam.* 2021;83(1):268–79. <https://doi.org/10.1111/jomf.12744>
18. Mohsenzadeh F, Nazariy AM, Arefi M. Qualitative study of factors contributing to marital dissatisfaction and applying for divorce (the case of Kermanshah). *Women's Strategic Studies.* 2011;14(53):7–42. [Persian] http://www.jwss.ir/article_12235.html?lang=en
19. Khalajabadi Farahani F, Cleland J. Perceived norms of premarital heterosexual relationships and sexuality among female college students in Tehran. *Cult Health Sex.* 2015;17(6):700–17. <https://doi.org/10.1080/13691058.2014.990515>
20. Besharat M, Rafiezadeh B. Prediction of sexual satisfaction and marital adjustment levels according to job variables, commitment, intimacy, and sexual knowledge and attitude. *Journal of Family Psychology.* 2021;3(1):31–46. [Persian] https://www.ijfpjournal.ir/article_245509.html?lang=en